

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۰۵ سپتامبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت پنجم

گپ زدن با در و دیوار صفایی دارد

امشب این خانه عجب حال و هوایی دارد

باز این یار قدیمی چه وفایی دارد

همه رفتند از این خانه به جز غم که نرفت



از بین بردن فاصله:

یک برخورد و رفتار منظم کاملاً متفاوت از برخورد قبلی، که مشتمل است بر انکار نمودن از موجودیت فاصله اجتماعی که در بین مصاحبه کننده و شخصی که به همایش مصاحبه صورت می گیرد.

خصوصیت گفت و گوی به دست آمده از این قرار است که شخص مورد نظر می کوشد جوابات خوب ارائه نماید.

و چنین بر می آید که محقق یا مشاهده کننده یک رول بررسی و کنترل از دانش و فهم مشاهده شونده دارد. گفتار شان اکثراً دادن یک تعداد زیادی توضیحات بالای موضوعات مختلف و متنوع، مانند انکشاف زراعت، رویه مساعد مامورین اداری، آموزش و پرورش تعلیم و تربیه مناسب.

در این وقت بسیار مهم است که قطع گفتار به عمل آید زیرا اکثراً شکل یک گفتار طولانی یک جانبه یا (monologue) را اختیار می نماید، که البته قطع نمودن این نوع تقریر کار آسان و ساده نمی باشد.

تخنیکی ساختن یا فنی ساختن گفتار باعث پوشانیدن و نهی نمودن تحرکات و فعالیت های سیاسی و اجتماعی مشخص و خاص در محل گردیده و جای بسیار کم و یا هیچ برای مصاحبه نمی ماند.

راه حل برای جلوگیری از این نوع پرگویی و به حاشیه رفتن، که در اثر از بین رفتن فاصله پیدا گردیده است اکثراً مشکل می باشد. اولین طریقه بیرون شدن از این حالت این است، که همان شخص را برای همکاری انتخاب نموده و مانند یک همکار در بالای ساحه از نزدش خواهش گردد تا من را با تمام اشخاص مورد نظر در محیط اجتماعی مربوط به فامیلش برای مصاحبه رهنمایی نماید، تا با دیگر اعضای فامیل در این مورد تبادل نظر صورت گیرد.

وسيله یا شیوه دومی که برایش خاطر نشان گردد که موضوع مورد نظر باید از دید خانم ها نیز بررسی گردد و از نزدش خواهش شود که من را نزد خانم، دختران، خواهران و دیگر اعضای مؤنث فامیل رهنمایی نماید.

دلیل بزرگ که سبب امکان پذیری مصاحبات من گردید، این بود که خودم از طبقه انات بودم. ضمناً باید علاوه نمایم که مخاطب من آرزو داشت که من باید بدانم که از جامعه بین المللی شکایات و اعتراضات زیاد دارد، و چنین وانمود می کرد که قبلاً اعتراضات و شکایات خود را در مورد جامعه بین الملل و ادارات محلی بیان نموده اند مگر به قرار گفته وی اشخاص قبلی کسانی نبودند که به اعتراضات شان اهمیت داده باشند، و یا آن را درک کرده باشند. به طور مثال در

هنگام گفت و گو و صحبت های که با یک شخص در جلال آباد داشتیم، برایم گفتم: «من زیاد مردم را دیدم همه با من صحبت کردند، مگر آن ها به هیچ چیز شباهت نداشتند (اقه انتیک، انتیک مردما دیدم، eqa antik antik mardom – a didem). صفت انتیک در نزد آن ها به معنی این که آن ها به هیچ چیز و هیچ کس شباهت نداشتند. این جمله در اوضاع و احوالی به من گفته می شد، که مخاطب من می خواست که من بدانم که ناخشنودی آن ها علیه جامعه بین الملل و یا کسانی که به نمایندگی آن ها قبلاً آمده بودند، که نه تنها به اعتراضات شان توجه نگردید، بلکه شکایات شان را نادیده گرفته و به آن اهمیت داده نشد.

به صورت قطعی در گفت و گو ها که در ساحه اجرا می گردد، تمام عکس العمل ها مربوط به تغییر و تنوع و طرز استفاده و کار بُرد از فاصله اجتماعی است که مصاحبه کننده را از مخاطبش جدا می سازد.

یک نوع دیگر بر خورد نیز وجود دارد که ظاهراً رضایت بخش و مناسب است، مگر اغلباً غیر قابل پیش بینی و نا معلوم می باشد: مشاهده کننده باید از طرف مردم محل و کسانی که با آن ها قرار است مصاحبه صورت بگیرد، مورد قبول و اعتبار شان واقع گردد. زیرا تا حال تمام اشخاصی که قبلاً از محل دیدن نموده اند، از طرف مردم یا مصاحبه شوندهگان قابل اعتبار تشخیص نگردیده اند، زیرا آن ها در مورد احوال و اوضاع مصاحبه شوندهگان آگاهی نداشتند. اکثر اوقات این گونه شیوه برخورد در هنگام گفت و شنود به وجود می آید، که انتقادات شان راجع به جامعه بین المللی و یا ادارات محلی می باشد.

موقعیت اجتماعی ناظر:

فقدان یا عدم موجودیت بی طرفی اجتماعی از یک ناظر نتیجه خیلی دشوار بالای نتیجه مصاحبه دارد. این موقعیت اجتماعی آنچه به من مربوط می شود، سه گانه است:

من یک افغان هستم که در خارج از وطن بزرگ شده ام، من مربوط به طبقه انان هستم، زبان مادری من دری است، زبان پشتو را در فرانسه مدت چهار سال در پوهنتون زبان های شرقی آموخته و در هر دو زبان از پوهنتون متذکره دیپلوم دارم.

باید چیزی که تعیین کننده مشخصات در زمینه اوضاع، شرایط و موقعیت افغانستان است، تصریح گردد. تا بتوانیم ناگفتنی ها را (non-dit) مشخص بسازیم که این بالای متن ریسرچ و معلومات

تأثیر زیاد دارد. در تمام کار های مربوط به ریسرچ که توسط گفت و گو اجرا می شود، طرز سوال نمودن ناظر اثر زیاد بالای جوابات دارد.

از یک حکایت فامیل تا ستراتیژی تحکیم اقتدار به سویه محل:

دانستن این که مربوط بودن به طبقه اناث در یک جامعه که تهداب آن بالای جدایی بین مرد و زن گذاشته شده است، خیلی اهمیت دارد. طوری که قبلاً ذکر گردید، من مربوط طبقه اناث، مؤفق شدم تا سفر های زیادی در ولایات انجام دهم.

معلومات در بالای ساحه تماس اولاً با سوال و جواب که هدف آن معرفی نمودن است برقرار می گردد، و اشخاص مورد گفت و گو باید فوراً می دانستند که به کدام خطر مواجه نیستند، اما خطر این که ممکن یک مشکل علیه من پیدا شود، وجود داشت. مخصوصاً موافقه و رضایت راه یافتن در مکان طبقه اناث بدون این که اسباب نارضایتی و مشکل برای مرد ها خلق نمایم. و باید علاوه نمود که هنگامی که من با خانم ها در گفت و گو بودم اکثراً یک مرد از دور یا نزدیک من را مراقبت و نظارت می نمود.

قصه یک فامیل:

یک شب که من با خانم های خانه در ولسوالی حصارک که مربوط ولایت ننگرهار می باشد، در گفت و گو بودم. (این ولسوالی با پاکستان هم سرحد است، و من در آن ولسوالی یک هفته در خانه مردم آن دره در ماه می سال 2006 میلادی پناه برده بودم).

در هنگام گفت و گو یک حالت دشوار و مشقت بار را احساس نمودم، ارتباطات به سختی برقرار و تنها به صورت سوال - جواب باقی می ماند.

من دلیل آن را به زبان آن ها که یک نوع دیلکت (Dialecte) پشتو حرف می زدند، نسبت دادم. (زبان که دور از مرکز ولایت در آن محل حرف زده می شود و از زبان ستندرد فرق دارد).

در این فامیل پشتون، شف فامیل مربوط به قبیله جبارخیل مربوط کلان (clan) احمدزی، که در قدیم کوچی ها بودند و اصلاً از منطقه خورد کابل می باشند. (خورد کابل در دامنه کوه های جنوب - شرق کابل موقعیت دارد، ولسوالی های بگرامی، سروبی، کمری، شینه، خاک جبار، راه سابقه جلال آباد از طریق لته بند، مربوط خورد کابل می شوند.) و از آخر قرن نهم به این سو در ولایت ننگرهار مسکن گزین گردیده اند.

او با یک خانم از یک قبیله خورد مردم بومی دره غواگیزه (Ghwâgiza) ازدواج نموده است.

در هنگام گفت و گو با خانم ها من متوجه گردیدم یک مرد در اطاق نزدیک و مقابل اطاق ما را زیر نظر دارد.

فردای آن یک خانم مرا در یک اطاق جداگانه برده و در آن اطاق از یک مخفیگاه انگشتر عروسی خود را بیرون کرده و در حالی که بسیار نا آرام بود آن را به من نشان داده و از من پرسید که آیا این واقعاً از طلای با کیفیت ساخته شده است یا خیر؟

بعداً در مورد موقعیت اجتماعی این فامیل دانستم که از نظر اجتماعی - اقتصادی این فامیل بسیار قرضدار هستند و همچنان دانستم که یک دعوا و اختلاف بین این فامیل و یک فامیل یک دره دیگر که با پیاده رفتن دو ساعت از این دره دور می باشد، وجود دارد. دلیل این دشمنی اختطاف یک دختر جوان توسط یکی از پسران فامیلی که من در آن بودم، می باشد. به تعقیب این حادثه بسیار مهم، فامیل پسر باید به فامیل دختر پول بدهد. وقتی پرسیدم کدام یک از پسران این عمل را مرتکب گردیده است، دانستم که شوهر همان خانم جوان که مرا به اطاق علیحده برده و در مورد انگشتر خود اندیشه داشت و شخصی که ما را زیر نظر گرفته بود همان شخص اختطاف گر بود و می کوشید تا من از این واقعه خبر نشوم، دلیل نگرانی و تشویش که در آن جا حکمفرما بود نیز همین واقعه اختطاف بود.

فلهذا اگر این قصه در نظر اول ظاهراً سطحی و جزئی معلوم می شود، مگر کاملاً مشخص است به طریق که توسط کدام سیاست، مشخصاً ارتباطات پیوند ها و دشمنی ها بین گروپ ها مخفی مانده، و تنها می توان با مطالعات در ساحه از آن اطلاع حاصل نمود.

ادامه دارد